

عنوان مقاله:

پژوهشی تطبیقی درباره وحدت وجود از دیدگاه مولوی و اسپینوزا

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره 1، شماره 3 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

مهناز صفائی هودرق - دانش آموخته مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

علی اصغر حلبی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

خلاصه مقاله:

وحدت وجود یکی از گسترده ترین مفاهیمی است که ریشه در مکاتب بسیار کهن بشری دارد. گستردگی این مفهوم مانع از یافتن معنایی واحد در میان مشرب های فکری است و دست یابی به نظریه ای مبتنی بر حقیقتی که تفاوت های لفظی و ظاهری این مفهوم را خاتمه بخشد بس دشوار است. با وجود این، پرداختن به این مساله برای تقریب دیدگاه اندیشمندانی که در این باره تفکر نموده اند لازم و ضروری به نظر می آید. در این مقاله پژوهشگر بر آن است که وجوه تشابه و تفاوت آن حوزه را آشکار سازد. لذا در راستای تبیین مفهوم وحدت وجود، به بررسی راه های شناخت و معرفت در اندیشه مولوی و اسپینوزا که از برجسته ترین پژوهندگان حقیقت و از بزرگترین چهره های اندیشه بشری اند پرداخته و سعی شده است که برخی از وجوه تشابه وحدت وجود متعالی مولوی و وحدت تک جوهری اسپینوزا که به ظاهر بس متفاوت از یکدیگر می نماید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد

کلمات کلیدی:

خدا، وحدت وجود، مولوی، اسپینوزا، حقیقت، جوهر، هستی، صفت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1631485>

